

روایت تلخ یک اعتیاد؛

ماشین خارجی و آپارتمان بالای شهر داشتم اما...!



توان خریدن خانه را هم نداشتیم. این بود که به زندگی در پارک‌ها و زیر پل‌ها رو آوردم و به قول معروف کارتن‌خواب شدم. آنجا بود که با پیشنهاد دیگر معاندان به سرقت قطعات و محتویات خودروها پرداختم تا هزینه‌های اعتیاد را تامین کنم. پدر و مادرم نیز وقتی ماجرای اعتیاد و طلاق مرا شنیدند، دیگر سراغی از من نگرفتند و این گونه از تدریس در دانشگاه به این زندگی وحشتناک رسیدم!

با یک بار مصرف معتاد نمی‌شوی و به‌اصطلاح زن، کوتاه آمدن و برای اولین بار لب به مواد مخدر صنعتی زدم و این گونه مسیر زندگیم تغییر کرد چرا که بعد از گذشت چند ماه زمانی به خود آمدم که دیگر یک معتاد حرفه‌ای بودم. در آن پارتی بازن جوانی هم آشنا شدم که مدعی بود جنس (شیشه) خویسی دارد و هر وقت تماس بگیرم، خودش پنهانی برایم مواد می‌آورد و موارد دیگری که از بیان آن شرم دارم. مدتی بعد در حالی همسرم متوجه اعتیاد شد که من دیگر مدام از دانشگاه به بهانه‌های مختلف غیبت می‌کردم و به همین دلیل هم خیلی زود مرا اخراج کردند. هنوز هم نمی‌فهمیدم که در مسیر تباهی قرار گرفته‌ام تا حدی که حساب بانکیم خالی شد و من برای تهیه مواد مخدر به فروش لوازم منزل رو آوردم. وقتی با اعتراض همسرم مواجه شدم، جافو می‌کشیدم و او را کتک می‌زدم. دست خودم نبود، خماری شدید و تاثیر مواد مخدر روان‌گردان کاری با من کرد که حتی به دختر کوچکم نیز رحم نمی‌کردم و او را هم زیر مشت و لگدم می‌گرفتم. شش ماهه بارها تلاش کردم مرا از این وضعیت فلاکت‌بار نجات دهد، اما فایده‌ای نداشت تا اینکه بالاخره او دخترم را به آغوش گرفت و به منزل پدرش پناه برد. بعد هم تقاضای طلاق داد و من هم مجبور شدم

در زمان تعطیلی مدارس به فرانسه می‌رفتم، زبان فرانسه را به خوبی آموختم و به همین دلیل هم در رشته مترجمی زبان فرانسه در دانشگاه تا مقطع دکترا ادامه تحصیل دادم. هیچ نگرانی‌ای درباره هزینه‌ها و مخارج زندگیم هم نداشتم چرا که پدرم یک واحد آپارتمانی بزرگ و خودروهای گران‌قیمت خارجی برایم خریداری کرده بود. آن زمان در منطقه مرفه‌ترین شهر (بولوار سجاده) زندگی می‌کردم و در دانشگاه هم به تدریس مشغول بودم به طوری که از استادان برتر دانشگاه شناخته می‌شدم. در همین روزها با دختری از بستگانم ازدواج کردم و روزهای شیرینی را سپری می‌کردم تا اینکه به‌طور اتفاقی یکی از دوستان دوره دبیرستانم را دیدم. علسی بعد از ترک تحصیل بنگاهداری بود و در زمینه خرید و فروش املاک فعالیت می‌کرد. او مرا به یک دوره همی شبانه دعوت کرد. من هم به خوشحال بودم. او مرا به یک دوره همی شبانه دعوت کرد. من هم به خاطر موقعیت شغلی‌ای که داشتم، حتی به همسرم چیزی نگفتم و بدون اطلاع دیگران شب به نشانی محل پارتی حرکت کردم که در یکی از ویلاهای اطراف مشهد بود. آنجا در حالی بساط مصرف شیشه و هروربین پهن شد که برخی از مهمانان با زنان غریبه حضور داشتند. اگرچه ابتدا در برابر تعارف مصرف شیشه مقاومت کردم، ولی خیلی زود با اصرارهای علی که

گسترده نیروهای کلاتری شهید نواب صفوی مشهد و در راستای مقابله با سرقت‌های سرپالی از خودروها دستگیر شده بود، اگرچه ظاهری ژولیده و تانفسبار داشت، وقتی برای گفتگو با دیگر سارقان و معتادانی که به همراه وی دستگیر شده بودند زبان می‌گشود، بسیار عالمانه و یادب‌سخن می‌گفت. برای دقایقی به جملات ادیبانه و تامل برانگیز او خیره شده بودم که گفت: د یگر از این زندگی فلاکت‌بار خسته شده‌ام و می‌خواهم به زندگی گذشته‌ام بازگردم؛ روزهایی که در دانشگاه تدریس می‌کردم و به آن مهمانی شیطانی نرفته بودم! جمله آخر این دزد میانسال که خود را استاد دانشگاه معرفی می‌کرد، تکلم داد. او را به اتاق مددکاری دعوت کردم و این گونه بود که جلال درباره سرگذشت تلخ خود گفت: پدرم و وضعیت مالی خوبی داشت و من و ۲ خواهر بزرگ ترم در رفاه و آسایش روزگار می‌گذرانیدیم. خواهرانم برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفتند و به همراه همسرانشان در کشورهای اروپایی ماندگار شدند. البته مدتی بعد پدر و مادرم نیز به آن‌ها پیوستند، ولی هر از گاهی برای دیدن من به ایران می‌آمدند. در این شرایط من هم ادامه تحصیل دادم و چون برای دیدار خواهرانم

عشق خارج رفتن به قتل ختم شد!



وجود سم در بدن قربانیان، این موضوع و نشان می‌داد که قتل‌ها خانوادگی است و عامل یا عاملان جنایت با افراد خانواده هستند یا افرادی هستند که به خانه رفت‌وآمد دارند. از آنجایی که دختر بزرگ خانواده و دوستش تنها کسانی بودند که در خانه بودند به آنها مشکوک شدند. در تحقیقات از آذر دختر ۱۸ ساله، او گفت: شاید دوستم دنیا به خاطر حسادت این کار را کرده باشد. او وضع مالی خوبی ندارد و به ما حسودی کرده است. با اظهارات دختر جوان، کار آگاهان به سراغ دوست او رفته و در بازرسی از خانه‌اش مقداری سیانور پیدا کردند که او به ناچار لب به اعتراف کشود و مدعی شد به همراه آذر داخل غذای مادر و خواهر او سیانور ریخته و آنها را به قتل رسانده است. با اعتراف دنیا، کار آگاهان جنایی به سراغ آذر رفته و دختر جوان به ناچار به قتل‌ها اعتراف کرد. با اعتراف هم‌کلاسی‌ها به قتل‌ها، به دستور بازرس شعبه اول دادسرای امور جنایی پایتخت، آنها روانه بازداشتگاه شده و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد. جنایت برای مهاجرت پشت کنکوری هستند و هر دو به اتهام قتل بازداشت شده‌اند. دخترانی که تصمیم داشتند پدر خانواده را نیز به قتل برسانند تا با ارباب‌نیمه‌میلیاردهای به خارج از کشور مهاجرت کنند. دختر جوان در سراسر ماجرای قتل خانواده دوستش گفت: آرزو داشتم ثروتمند شوم و از ایران مهاجرت کنم. آذر هم همین آرزو را داشت، اگر خانواده‌اش کشته

گروه حوادث - و سوسه مهاجرت به خارج از کشور، انگیزه‌های شدت‌دختر جوان باهم‌دستی دوستش در اقدامی هولناک مادر و خواهرش را به قتل برساند، اما قبل از اجرای سناریوی قتل پدر ماجرا لو رفت و دستگیر شدند. ۱۸ اردیبهشت امسال، مادر و دختری با علائم مسمومیت شدید به یکی از بیمارستان‌های غرب تهران منتقل شدند، اما لحظاتی بعد مادر ۳۸ ساله و دختر ۱۳ ساله‌اش جان باختند. با اعلام موضوع مرگ مشکوک، به بازپرس محسن اختیاری و کار آگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت بررسی‌ها آغاز شد. در تحقیقات اولیه دختر ۱۸ ساله خانواده که به اورژانس زنگ زده بود، گفت: من و دوستم داخل اتاقم بودیم که فهمیدم مادر و خواهرم حالشان بد شده ظاهر آن ماهی خورده بودند.

مرگ با سیانور از آنجا که مسمومیت با تن ماهی بر اثر سم بوتولسم است اما نظریه پزشکی قانونی اعلام کرد که علت مرگ مصرف سیانور است، بنابراین وقتی فرضیه خودکشی نیز برای تیم جنایی رنگ باخت تنها این فرضیه مطرح شد که فردی به عمد سیانور را در غذای این مادر و دختر ریخته باشد. این احتمال زمانی بیشتر شد که پدر خانواده راز مسمومیت‌های سرپالی خانواده‌اش را مطرح کرد: این یار من خانه نبودم اما قبل از این نیز دوبار من و خانواده‌ام دچار مسمومیت شده بودیم. دفعات قبلی به ما گفتند سم آرسنیک در بدنمان پیدا شده است اما این بار که سم سیانور تأیید شده این موضوع برای من گیج‌کننده است.

این پدر و مادر سنگدل نوزادشان را بخاطر آیفون ۱۴ فروختند!



گروه حوادث - زوجی سنگدل در هند برای خرید آیفون ۱۴ و فعالیت در فضای مجازی نوزاد ۸ ماهه خود را فروختند! داستان زوج جوان از بنگال غربی بسیار ترسناک است. این زوج به قدری شیفته جدیدترین گوشی ابل بودند که نوزاد خود را برای خرید آن فروختند. این زوج زمانی که شروع به سفر در سراسر بنگال و نشان دادن آیفون ۱۴ جدید خود کردند، توجه همسایگان خود در هند را به خود جلب کردند. این زوج بسه درآمد ناچیز ماهانه معروف بودند و اغلب از نظر مالی به مشکل برمی‌خورند. بنابراین این تغییر شدید در وضعیت مالی آن‌ها اصطلاحاً طبیعی نبود. به خصوص که با ناپدید شدن اسرارآمیز پسر

نیازمندی‌ها

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیازمندی‌های روزانه جزیره کیش

اصل سند خودروی نیسان جوک ۲۰۱۵ به رنگ سفید و شماره پلاک ۴۹۱۸۱/۲۲ و شماره موتور ۴۷۶۰۳۰۴۷۶ شماره شاسی FT311940 به نام سید جواد زمانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مفقودی

اصل کارت اشتغال به نام قدآغا رجب به شماره پاسپورت p02093763 و شماره پروانه کار ۶۳۶۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اپلیکیشن خدماتی

دوستم
اپلیکیشن خدماتی کیش غذا، مارکت، خرید، دلپوری و...
www.Dustam.com
۰۹۹۶۶۷۷۳۴۳۷

استخدام

دعوت به همکاری
بازاریاب امور بیمه ای
مراجعه حضوری
مجتمع خدماتی سعدی طبقه اول
غرفه ۲۲، بیمه تعاون

اصل سند خودروی نیسان جوک ۲۰۱۴ به رنگ نوک مدادی و شماره پلاک ۴۸۹۸۳/۲۲ و شماره موتور HR16388798C شماره شاسی ET301206 به نام سید جواد زمانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل کارت کیشوندی به شماره ۱۷۴۰۴۳/۰۱ به نام سمیرا جعفری زاده حسنی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

درب اتوماتیک

درب های اتوماتیک دارکوب
۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

استخدام
نیروی خدماتی خانم / آقا
مراجعه حضوری
دفتر روزنامه

اصل سند خودروی هیوندا اکسنت ۲۰۱۳ به رنگ نقره ای و شماره پلاک ۱۱۹۸۹/۲۲ و شماره موتور ۴۵۰۲۲۹ شماره شاسی Du414896 به نام سید جواد زمانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۶۳۰۲۹/۰۱ به نام زهرا تفکری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

آگهی تغییرات شرکت دانیال مهر طوس کیش (با مسئولیت محدود)
ثبت شده به شماره ۱۴۷۶۹ و شناسه ملی ۱۴۰۱۲۳۷۶۱۴۳ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۳ و استعلام اخذ شده از مدیریت حمل و نقل عمومی کیش به شماره ۱۴۰۳/۳۸۰۱۵۵۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۷، مرکز اصلی شرکت از آدرس قبلی به نشانی: جزیره کیش، میدان ساحل، بازار دیپلمات، غرفه ۱۴۵، کد پستی ۷۹۴۱۸۹۵۹۲۷ تغییر یافت و در نتیجه ماده مربوطه در اساسنامه بنحو فوق اصلاح گردید.
رضا ولی پور - رئیس اداره ثبت شرکتها و مالکتهای صنعتی و معنوی منطقه آزاد کیش

روزنامه اقتصاد کیش استخدام می‌کند
خانم مسلط به شبکه های اجتماعی و فضای مجازی
برای فعالیت و مدیریت گروه ها
تلفن هماهنگی:
۴۴۴۲۰۲۸۴

صنایع چوب
حلاج کیش
کلید سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲۰